

تاریخ تشکیلات سیاسی و حقوقی در جهان

- ۹ -

حکمای یونان

دانشمندان و حکمای یونانی کسانی بودند که در شئون عالم و امور مربوطه بآن مطالبی درک کرده و از روی طبع و فطرت نکته سنج و نصیحت گو باشند صاحبان فکر و مستعد یونانی که اهل تحقیق بودند بتفکر در حقیقت امور عالم میپرداختند بسفر و سیاحت میرفتند در عادات و اخلاق و قوانین و رسوم ملل دیگر مطالعه و تفحص مینمودند. بابزرگان و دانشمندی در کشورهای شرقی مانند مصر و کلد و بابل و ایران ملاقات میکردند و در حدود امکان از اطلاعات و علوم آنان استفاده مینمودند این مطالعات که سیری از آفاق و انفس بود باطبع مخصوص یونانی که قریحه سرشار و آزاد علمی و پرهانی داشت آمیخته میشد مردمی مجرب و دانشمند بوجود می‌آورد نخستین کس از این سلسله مردم دانشمند مجرب در یونان ثالس ملطی سرسلسله حکمای ایونی بود که در اواخر قرن ششم قبل از میلاد میزیسته ولی قابل تردید نیست که دانش این طبقه از حکمای باستانی یونان بمقتضای عصر نبودن وسائل محدود بمقداری از مقدمات ریاضی و نجوم و فرضیه‌های کلی متکی بقرائن و قیاسات راجع بکیفیت خلقت و حقیقت وجود جسمانیات بوده ولی بروزات ذهنی و قوای عقلانی دانشمندان یونانی در حال رشد و نمو بوده و مراحل تکاملی را میپیموده افکار حکمای آن اوان همواره بجرح و تعدیل در موضوعات

علمی و اخلاقی و سیاسی مشغول بود دانشمندان نظریات علمی و سیاسی و اجتماعی خود را بوسیله سخنرانیها در مجامع عمومی بیان و در معرض افکار عمومی قرار میدادند علاوه تصمیمات و انتخاب مأمورین و محاکمه متداعین و مجروحین بشرحی که قبلاً اشاره شد و در فصول آینده بتفصیل بیان خواهد شد با حضور و تصویب جمعیت و صاحبان رأی اتخاذ میگردد در این جلسات در اطراف فرضیه های علمی و نظریات سیاسی و اجتماعی بحث و مشاوره و مباحثه بعمل میآید طبعاً کسانی که در تقریر و بیان زبردست تر در فن سخنوری بودند بهتر و بیشتر میتوانند جلب افکار و توجه عمومی را بنمایند در اثبات نظریات خود اعم از موضوعات علمی یا سیاسی یا اجتماعی توفیق بیشتری حاصل میکردند مخصوصاً کسانی که در فن سخنوری استاد بودند رأی خود را از پیش میبردند و نزد مردم موقعیتی بیشتر احراز نموده و مرجعیت عامه پیدا میکردند و غالباً بریاست و زمام داری کشور میرسیدند بنابراین یکی از عوامل مهم احراز موقعیت های اجتماعی اشخاص تقریر و بیان و نفوذ کلام بود در قرن پنجم تا قرن چهارم پیش از میلاد غالباً مردان سیاسی یونان از دانشمندان سخنور بشمار میرفتند روی این اصل فن سخنوری که پایه و ملاک احراز مقام و موقعیت سیاسی و اجتماعی بود در یونان قدیم بمرحله کمال رسید نخستین مرد سیاسی و سخنور یونانی که چهل سال در آتن فرمانروائی کرد پرتکلس بود در آتن نفوذ کلمه فوق العاده داشت مورخین نوشته اند اول کسی که گفتار خود را در مجامع عمومی قبلاً تهیه و یادداشت میکرد پریکلس بوده است پس از پریکلس هم اغلب مردان سیاسی و زمامداران یونان مخصوصاً آتن سخنور بودند چون سخنوری در محاکمات از عوامل غلبه بر خصم و در حکومت دموکراسی آتن را بطنه مستقیم بر ترقی اشخاص داشت نسبت بفن نطق و خطا به و سخنوری مخصوصاً از طرف جوانان با استعداد یونانی که جوئیای نام و مقام بودند استقبال و ابراز علاقه فوق العاده شد جمعی از حکما و دانشمندان موقع شناس و کاردان کسوت معلمی پوشیده و در مقابل دریافت

اجرت فن خطابه و سخنوری را تعلیم میدادند این جماعت سوفیست یا سوفسطائی نامیده میشدند چون تعلیم سخنوری و فنون مربوطه باین فن در مقابل اجرت بود تنها کسانی از علوم سوفسطائیان بهره‌مند میشدند که قادر بپرداخت حق‌التعلیم بوده باشند جوانان با استعداد آتنی و سایر بلاد یونان که توانائی داشتند در فرا گرفتن این فن نزد حکمای یونانی بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند استاتید فن در تعلیم دانشجویان خود بایکدیگر رقابت مینمودند لذا تنها هدف سوفسطائیان و پیروان آنها غلبه بر خصم و جلب توجه عمومی بود در فرضیه‌های علمی و موضوعات سیاسی حقیقت و مصلحت در کار نبود بلکه تفوق و غلبه بر خصم هدف نهائی قرارداد شد لذا سفسطه و مغالطه در مکتب سوفسطائی سهم‌بزرگی یافت و بهمین مناسبت این سلسله از دانشمندان سوفیست معروف گردیدند حتی سوفسطائیان مدعی شدند اصولاً حقیقتی در عالم وجود ندارد بلکه حقیقت عبارت از ادراک شخصی میباشد ولو احساس و ادراک افراد در یک مورد متناقض باشد برای هر فرد حقیقت همان ادراک او است در این مورد گفته (پروتاگوراس) یکی از اساتید سوفسطائی معروف است که (انسان مقیاس همه اشیاء است) در مفهوم و مراد گفته (پروتاگوراس) تفسیرهای مختلفی شده بعضی گفته اند مراد از بیان وی این است که علم مخلوق حواس و سایر استعدادات انسانی است و لذا ارزش علم بیش از یک نوع قرارداد بشری نیست افلاطون گفته پروتاگوراس را تفسیر کرده باینکه هر کس آنچه انتخاب کند که بدان معتقد باشد در حدود اعتقادش حقیقت دارد و با سلب اعتقاد شخص از منتخب حقیقت آن شیئی سلب میشود در هر حال رواج سفسطه و مغالطه در مهده علم و دانش بمنزله اعلام خطری بود که سیر تکاملی معرفت را متوقف یا تبدیل بحل مر کب نماید لذا دست توانائی لازم بود که بتواند با هدف عوام فریب سوفسطائی که مورد قبول عامه بود مبارزه کند و انقلاب عظیم تحول عقلی و سیر تکاملی بروزات ذهنیه بشری راهبری نماید جای تردید نیست که هدف و مکتب سوفسطائی اخلاق مردان سیاسی بلکه

عامه مردم را به فساد سوق میداد این وظیفه سنگین را سه تن از حکمای بزرگ یونان که روابط روحی آنان برشته معنوی پیوسته بود و نسبت بیکدیگر سمت استادی و شاگردی داشته‌اند در عهده خود قرار دادند و از این سبب نام بلندایشان در لوحه حکمای بزرگ جهان و استاد مطلق علم و فلسفه بشمار آمدند .

این سه حکیم بزرگوار سقراط و شاگرد او افلاطون و شاگرد افلاطون ارسطو میباشند که در عالم کمال و دانش بشری سقراط خداوند اخلاق و افلاطون مجذوب عشق و اشراق و ارسطو کاشف براهین عقلانی میباشند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی